

نگاره های عرفانی

■ نگاره های عرفانی

■ نوشته: مینا صدیقی



طریق تصویر بوده‌اند و چنان فضای نگارگری را مانوس و مناسب با وضع و حال عرفان اسلامی یافته‌اند که بستری مناسب برای همسخنی و حضور آن معانی به وجود آورده‌اند تا آنجایی که در این راه قابلیت آشکار کردن رموز ادب عرفان اسلامی را بدست آورده‌اند.

در فصل دوم ابتدا به توضیح «مقامات» و مراتب آنها پرداخته شده تا راه برای بررسی تصویری آثار هموار گردد، سپس به قابلیت بیان تصویری که نگارگران به کمک آن، معانی عرفانی را منتقل می‌کنند پرداخته شده است. همچنین مقاماتی چون فنا و بقا که قابلیت تصویر کردن آنها بگونه‌ای که در صورت کلام ظاهر می‌شود، غیرممکن نموده و نگارگران با تمهیداتی از شکل، رنگ، قلم‌گیری و حذف نور و سایه... سعی در تذکر به آن داشته‌اند مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجایی که بسیاری از مضامین عرفانی در صورت تفصیلی خود در قالب حکایاتی بیان شده‌اند هنرمندان نگارگر نیز از همین شیوه بهره جسته و بیان تصویر را در پس صورت داستانی آن به سوی عوالم معنوی سوق داده‌اند.

در فصل سوم نگاره‌ها بر اساس مقامات طبقه‌بندی شده است. اساس این طبقه‌بندی بر سیر و سلوک عارفانه و ترتیب و توالی مقامات مطابق با رای نسفی در کتاب انسان کامل تنظیم شده است. وی مراتب سلوک را در مراتب طلب تا مرتبت عشق برمی‌شمرد.

مقامات دیگر نیز از متون عرفانی استخراج شده است. در این کتاب مقاماتی که نگارگران تصویرگر آنها بوده‌اند در شانزده مقام شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته است که مشتمل بر مقامات ۱- طلب در همت در مقام تمکن ۲- خلوت و فقر ۳- فقر ۴- ورع ۵- طلب در عشق ۶- مقام عشق در مرتبه میل ۷- ذکر و وجد ۸- سماع ۹- خوف ۱۰- مقام اراده و احسان و دهش ۸- تفرید و مکاشفه ۱۲- مشاهده ۱۳- رضا و تسلیم ۱۴- مقام عشق ۱۵- توحید ۱۶- وصال.

همچنین پس از بررسی هر اثر و طرح چگونگی نحوه بیان نگاره‌ها از مقامات معنوی گزیده‌ای از اشعار به منظور آشنایی بیشتر با مضمون و چگونگی بیان شاعر در طرح مسئله آورده شده است. □

قداست نگارگری اسلامی ایران، حقیقتی است که در اولین نگاه خودنمایی می‌کند. این حقیقت آشکار مبین جلوه رحمانی و سراسر لطف تمدن اسلامی است که در زیر لوای حکمت انسی و تفکر عرفانی اسلام نشو و نما کرده است تا جاییکه شناخت نگارگری بدون توجه به حکمت و عرفان اسلامی غیرممکن می‌نماید.

از این رو شناخت تطبیقی نگاره‌ها و مضامین عرفانی مهمترین کلید معرفت این هنر به شمار می‌آید. همانگونه که شعرا در بیان شاعرانه خویش سعی در قرب به معانی حقیقی کلمات دارند، نگارگران نیز با فهم و درک هنرمندانه و با حضوری عارفانه عناصر تصویری را در خدمت بیان آن معانی بکار می‌گیرند بگونه‌ای که هر تصویر گزارشی از منازل و مقامات در طریق سلوک عرفانی است.

نگارگران در نسبت با این مقامات و احوال به ابداع آثار هنری پرداخته و آثاری بدیع از خود به جای گذاشته‌اند. هر چند معانی عرفانی در آثار نگارگری به وضوح قابل مشاهده است اما رسوخ در حقیقت این آثار نیاز به توجه عمیق به مسائل عرفان اسلامی دارد تا نسبت این دو با یکدیگر دقیقاً مشخص گردد.

در نگارگری تمام عناصر تصویری به نحوی در خدمت درآمده‌اند تا برحسب استعداد خود مرتبه‌ای از آن مقامات را بیان دارند. لذا به جهت ارتباط هنر نگارگری با معانی عرفانی هیچ اثر نگارگری رانمی‌توان با توجه به صورت ظاهری آن تعبیر و تفسیر کرد مگر آنکه به معانی باطنی و پنهان آن در صورت ظاهر، وقوف تام و تمام یافت.

در این کتاب سعی شده است تا حضور معانی عرفانی در آثار نگارگری نشان داده شود و مطالب مجملی از عرفان اسلامی که نگارگران در تصویرکردن آثار خود بدان نظر داشته‌اند، بیان گردد همچنین تلاش شده تا نحوه استفاده از شکل، رنگ، بافت، عناصر نمادین، ترکیب‌بندی و... و همچنین تعبیر این عناصر، یا توجه به معانی اشعار و مقامات حکایت شده در آثار نگارگری مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد. با توجه به آنچه گفته شد، ابتدا جهت روشن نمودن نسبت هنر و عرفان در تفکر اسلامی و جلوه هر یک از آنها در

یکدیگر، مطالبی بیان شده است. بدین معنا که چون تفکر عرفانی و هنر، مبتنی بر سیر از ظاهر به باطن در طریق کشف و شهود قلبی است از این روی در بخش نخست به نسبت هنر و تفکر عرفانی اشاراتی شده است.

در بخش دوم به نسبت میان شعر و عرفان اسلامی پرداخته شده، زیرا در میان هنرهای اسلامی شعر مناسبترین ظرف، برای تجلی تفکر قلبی است و غایت بیان رازهای عارفان در کلام ظهور می‌یابد، لذا نگارگران همواره، مضامین آثار خود را در عوالم این اشعار جستجو کرده‌اند و در پی کشف این معانی از